

نگاهی دوباره

به یک موضوع تاریخی

نقدی بر مقاله:

چاپ شده در روزنامه ایران

با ویرایش جدید

احمد آیت اللهی

ندای حق

واحد فرهنگی مسجد آقا میرزا احمد (رض)

نشریه شماره (۳)

گل میان آتش نمرود سوخت

نگرشی تحقیقی در اثبات وجود مقدسه حضرت رقیه بنت الحسین (ع)

[بسیار حسین خادمان نوش آمای]

در شام (سوریه) حرمی چشم‌هزار می‌نوازد که صاحبش، گلی از گلستان محمدی و ریخته‌های از بوستان فاطمی است.
رقیه بنت‌الحسین (ع)، پرچمی دیگر در اثبات حقیقت و مظلومیت حسین بن علی (ع) است. آری بارگاه ملک پاسبان حضرت رقیه (س)، بیرون همیشه افزاینده اثبات پیروزی حق بر باطل است! حرم رقیه، وادی طوری است که همگان برای ورودش باید نعلین از پا بکنند و با پای برهنه به آستان بومش شرفیاب شوند.
وجود مقدسه حضرت رقیه بنت‌الحسین (ع) از سه منظر قابل رویت و اثبات است: اول سطوره متن تاریخ و مقاتل دوم تواتر اجمالی و منطقی سوم دلیل عقلی و منطقی تاریخ و مقاتل



به دستور یزید برای آرام کردن حضرت رقیه سر بریده حسین بن علی را در طبقی گذاشتند و در ویرانه، دختر شوق دیدار جان به جان آفرین تسلیم کرد

الا یا رقیه یا ام کلثوم اتم ودیعة ربی الیوم قد قرب الودع
ایمن یسید خیر از آسمان حجت حضرت اباعبدالله الحسین (ع)، با هر زبان و ابزار می‌دهد و اینکه وجود مقدسه حضرت رقیه (س)، حضوری پررنگ بوده که در نثر و نظم و خطاب و دواع و ... مشیر بوده است.
مرحوم محلاتی در جلد سوم کتاب ریاحین الشریعه، صفحه ۳۰۹ چنین می‌نویسد:
در منتهی‌الاسمال از کتاب کامل بهایی از کتاب حاویه نقل است: ... زمان خاندان رسالت در حالت اسیری آوردند... هر دختری را وعده‌ها می‌دادند... تا اینکه به مجلس یزید مامون آوردند... دختری بود سه یا چهار ساله، شسی از خواب بیدار شد و گفت پدرم (حسین ع) را می‌خواهم و ناله کرد... به دستور یزید برای آرام کردنش سر بریده حسین بن علی را در طبقی

دخت امام حسین (ع) خود کرامت بزرگی است که بر جهانیان نمودار گشته و می‌گردد.
● تواتر اجمالی و منطقی
تواتر در لغت به معنای پیاپی آمدن و در اصطلاح خبر جماعتی را گویند که فی حد نفسه افشاده علمو کند و انسان از شنیدن آن قطع به صدق مضمون نماید، مانند خبر وقوع یک حادثه مسلم تاریخی و ملاک در آن حصول اطمینان است و قطع به مضمون خبر و ایمنی از عدم تبانی مخبرین بر کذب.
تواتر معنوی آن است که مخبرین از واقعه یا واقعی به مضمون واحد در قالب الفاظ مختلف خبر دهند، به طوری که الفاظ به دلالت تصنیفی یا التزامی بر معنای واحدی دلالت کند و از آن اخبار علم به معنای مشترک حاصل شود.^۱
مثال: زید به عمرو سبلی زد، زید به عمرو لنگ زد، زید به عمرو مشت زد، زید به عمرو تاز بانه زد... انسان از مجموع این اخبار به دلایل تصنیفی پی می‌برد که زید ضارب عمرو بوده است، زیرا اخبار متضمن صدور ضرب از زید بر عمرو می‌باشد. یا روایات متعدد درباره دل‌آوری‌های حضرت علی (ع) در جنگ‌های مختلف به طور التزام بر شجاعت آن حضرت دلالت دارد.
در جریان خبر تاریخی ویرانه شام هم، همین قانون وارد است، زیرا مورخین و مقاتل نویسندگان اتفاق مشهور را اگر چه با عناوین و الفاظ مختلف و گاهی منسوب به امامی چون زبیده بنت‌الحسین و... نقل کرده‌اند، اما با کسی تأمل حقیقت اثباتی و ثبوتی آن از مضمون اخبار به دلالت تصنیفی تواتر ثابت می‌گردد.

آری حقیقت وجود مقدسه حضرت رقیه بنت‌الحسین (ع) میان تمام مورخین مورد اتفاق است و منابع مختلف وجود آن حضرت و داستان شهادتش را متفقاً نقل کرده‌اند که به بخشی از آن اشاره شد.

اما تواتر اجمالی این است که اخبار موضوعی در حد تواتر باشد و بر آن موضوع از نظر سعه و ضیق (دامنه شمول) به طور متفاوت دلالت کند ولی قدر مشترکی بین آن اخبار باشد و آن قدر مشترک حاصل از اخبار مختلف الدلالة را متواتر اجمالی گویند؛ زیرا انسان علم اجمالی پیدا می‌کند که در هر حال یکی از این اخبار از مضمون صادر شده است مانند روایت حجت خیر واحد که مضمون مختلف دارد و هر حدیثی امری را در حجت خیر واحد شرط دانسته، مضمون برخی از

اخبار اعم و مضمون بعضی دیگر اخص است؛ ندر متخ همان مضمون اخص است. بنابراین درباره خبر وجود مقدسه حضرت رقیه (س) هم همین قانون ورود داشته و نتیجه همان مضمون اخص یعنی رقیه بنت‌الحسین می‌باشد و لذا وجود ایشان به تواتر اجمالی هم ثابت و هویدا است.
● دلیل عقلی و منطقی
با کسی تأمل مشخص می‌گردد اگر مسئله وجود مقدسه حضرت رقیه بنت‌الحسین (ع)، حقیقت و واقعیتی خارجی نداشت، در طول تاریخ علمای حساس، شجاع و حقیقت‌مدار شیعه، به آن اشاره داشته، در حالی که عکس این معنا صادق است یعنی در طول تاریخ بزرگترین علمای شیعه مانند سید مرتضی، میرزای شیرازی، سید بحر العلوم و... حتی مراجع بزرگوار معاصر همگی فتوا به انجام عرض ارادت به ساحت مقدسه حضرت رقیه (س) بنت‌الحسین و زیارت بارگاه این گلی که اله شده اصادر فرموده‌اند و حتی خودشان به زیارت آن حضرت مشرف می‌شوند و بالاترین دلیل عقلی این که حضرت امام خمینی (ره) و حضرت امام خاتمی‌ای در شام (سوریه) نمائنده داشته و دارند، و اگر واقعاً شام حرم حضرت رقیه بنت‌الحسین (ع) و حضرت زینب (س) بود، بر حضرت امام خمینی (ره) و حضرت امام خاتمی‌ای واجب و لازم بود مقلدان و امت اسلامی را روشن می‌فرمودند تا خود را برای امری که حقیقت ندارند به زحمت و هزینه نیندازند و اصلاً امری صورت نگیرد و این در حالی است که عکس مطلب صادق است زیرا نمائنده حضرت نه تنها چنین نمی‌فرمایند، بلکه تأیید و تأکید هم دارند و بارها خود در پیام متابر و اعطال و مداحی که سیره سوزان حضرت رقیه (س) را تبیین می‌کنند، نوشته‌اند!

بنابراین روشن و هویدا می‌گردد که وجود مقدسه حضرت رقیه (س) از بدیهیات و مسلمات و متواترات است و آسان که حدسه بر آن وارد می‌سازند یا حوصله تحقیق و تأمل علمی ندارند یا در پی ایجاد شبهه هستند تا مردم را در غبار تردید منحرف سازند. السلام علیک یا رقیه بنت‌الحسین!

منابع:
۱. موسوعه کلمات الحسین، ص ۲۸۶
۲. ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۲۱۲
۳. قوانین اصول، ج ۱، ص ۲۴۰

گل میان آتش نمرود سوخت

نگرشی تحقیقی در اثبات وجود مقدسه حضرت رقیه بنت الحسین (ع)

در شام (سوریه) حرمی چشم‌ها را می‌نوازد که صاحبش، گلی از گلستان محمدی و ریحانه‌ای از بوستان فاطمی است.

رقیه بنت الحسین (ع)، پرچمی دیگر در اثبات حقانیت و مظلومیت حسین بن علی (ع) است.

آری بارگاه ملک پاسبان حضرت رقیه (س)، بیرق همیشه افراشته‌ی اثبات پیروزی حق بر باطل است! حرم رقیه، وادی طوری است که همگان برای ورودش باید نعلین از پا بکنند و با پای برهنه به آستان بوسش شرفیاب شوند.

وجود مقدسه‌ی حضرت رقیه بنت الحسین (ع) از سه منظر قابل رویت و اثبات است:

اول- سطور متفن تاریخ و مقاتل،

دوم- تواتر اجمالی و معنوی،

سوم- دلیل عقلی و منطقی.

• تاریخ و مقاتل

در ضلع تاریخی اسناد و نقل مورخین نام آشنای تاریخ حسینی و طرح وجود مقدسه آن حضرت به وضوح به چشم می‌خورد؛ توجه به موارد ذیل خود حکایت از این مهم دارد:

در کتاب های الذمعة الساکبه جلد ۴، صفحه ۳۵۱، معالی السبطين، جلد ۲، صفحه ۲۲ و ذریعة النجاه، صفحه ۱۳۹، چنین آمده:

آنگاه که امر بر امام حسین (ع) مشکل‌تر از مشکل شد و حضرتش یکه و تنها ماند به خیام برادرانش نگریست، آنجا را خالی یافت، به خیمه‌های فرزندان عقیل نگاه انداخت، آن را هم خالی دید و ... به خیمه فرزندش علی بن الحسین (ع) رفت و با فرزندش خلوت نمود و برای وداع آماده شد و دست امام سجاد (ع) را گرفت و با صدای بلند چنین فرمود: یا زینب و یا ام کلثوم و یا سکینه و یا «رقیه» و یا فاطمه! اسمعن کلامی و اعلمن ان ابني هذا خلیفتی علیکم و هم امام مفترض الطاعة؛ «ای زینت و ای ام کلثوم و ای سکینه و ای رقیه و ای فاطمه سخنم را بشنوید و بدانید فرزندم علی (ع) جانشین من بر شماست و او امام مفترض الطاعة است.^۱

۱- موسوعة کلمات الحسین، ص ۴۸۶

در جلد چهارم الدعاء الساکبه، صفحه ۳۴۶ باز ثبت است: آنگاه که وداع آخر شد حضرتش ندا داد! یا ام کلثوم و یا سکینه و یا رقیه ... ای ام کلثوم و ای سکینه و ای رقیه و ای... من رفتم خداحافظ

در کتاب ادب الحسین بیت ذیل منصوب به امام حسین (ع) است

الایا رقیه یا ام کلثوم انتم

ودیعة ربی الیوم قد قرب الوعد

این بیت خبر از اتمام حجت حضرت ابا عبدالله الحسین (ع)، با هر زبان و ابزاری می‌دهد و اینکه وجود مقدسه حضرت رقیه (س)، حضوری پر رنگ بوده که در نثر و نظم و خطاب و وداع و ... مشیر بوده است.

مرحوم محلاتی در جلد سوم کتاب ریاحین الشریعه، صفحه ۳۰۹ چنین می‌نویسد:

در منتهی الامال از کتاب کامل بهایی از کتاب حاویه نقل است: ... زنان خاندان رسالت در حالت اسیری آوردند... هر دختری را وعده‌ها می‌دادند... تا اینکه به مجلس یزید ملعون آوردند... دختری بود سه یا چهار ساله، شبی از خواب بیدار شد و گفت پدرم (حسین (ع)) را می‌خواهم و ناله کرد ... به دستور یزید برای آرام کردنش سر بریده‌ی حسین بن علی را در طبقی گذاشتند و در ویرانه، دختر به ملاقات پدر نایل شد و از شوق دیدار جان به جان آفرین تسلیم کرد ... بالجمله از این دختر که رقیه (س) نام دارد، مزار معروفی در شام است که حاضر و بادی به زیارت او می‌روند.^۱ سخن این است اگر نقلیات فوق خبر شاذ و نادر هم باشد که نیست، خود دلیل مضاعف بر اثبات حقیقت وجود مقدس حضرت رقیه (س) است، زیرا چه لزومی دارد چنین تحریفی صورت پذیرد! حتی اگر شعر منقول از امام حسین (ع)، نسبتی بی اثبات باشد و ثابت گردد که شاعرش دیگری بوده باز خدش‌ای بر اثبات وجود حضرت رقیه وارد نمی‌گردد.

مرحوم ملبوبی در صفحه ۷۴ از جلد ۵ کتاب الوقایع و الحوادث می‌نویسد: دخت سه ساله امام؛ «رقیه» همواره بهانه پدر می‌گرفت، از عمه‌اش زینب سرپرست کاروان بانوان جویای باب مهربان بود. ایشان در جلد سوم کتاب خود (الوقایع و الحوادث) در باب وداع آخر می‌نویسد: دختری از خیام بیرون دوید که او را اهل خیام رقیه بنت الحسین صدا می‌زدند و از پدر طلب آب کرد و پدر او را در آغوش گرفت و زبان در کامش نهاد. مرحوم ملبوبی در صفحه ۸۳ از جلد ۵ کتاب الوقایع و الحوادث می‌نویسد: ... درایت و شهادت برخی نوشته‌ها این تردید را برداشته و شاهد زنده‌ای بر باور داستان سوزان رقیه بنت الحسین است و با یک احتمال از نظر دور نمی‌افتد و همان خاطره سوزناک در فکر و مغزها زنده می‌ماند... موجودیت مرقد منور رقیه دخت امام حسین (ع) خود کرامت بزرگی است که بر جهانیان نمودار گشته و می‌گردد.

۱- ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۳۱۲

● تواتر اجمالی و معنوی

تواتر در لغت به معنای پیایی آمدن و در اصطلاح خبر جماعتی را گویند که فی حد نفسه افاده علم کند و انسان از شنیدن آن قطع به صدق مضمون نماید، مانند خبر وقوع یک حادثه مسلم تاریخی و ملاک در آن حصول اطمینان است و قطع به مضمون خبر و ایمنی از عدم تبانی مخبرین بر کذب. متواتر معنوی آن است که مخبرین از واقعه یا وقایعی به مضمون واحد در قالب الفاظ مختلف خبر دهند، به طوری که الفاظ به دلالت تضمینی یا التزامی بر معنای واحدی دلالت کند و از آن اخبار علم به معنای مشترک حاصل شود.^۱

مثال: زید به عمرو سیلی زد - زید به عمرو لگد زد - زید به عمرو مشت زد - زید به عمرو تازیانه زد... انسان از مجموع این اخبار به دلایل تضمینی پی می‌برد که زید ضارب عمرو بوده است، زیرا اخبار متضمن صدور ضرب از زید بر عمرو می‌باشد. یا روایات متعدد درباره‌ی دلوری‌های حضرت علی (ع) در جنگ‌های مختلف به طور التزام بر شجاعت آن حضرت دلالت دارد.

در جریان خبر تاریخی ویرانه‌ی شام هم، همین قانون وارد است، زیرا مورخین و مقاتل نویسان اتفاق مشهور را اگرچه با عناوین و الفاظ مختلف و گاهی منسوب به اسامی چون زبیده بنت الحسین و... نقل کرده‌اند، اما با کمی تأمل حقیقت اثباتی و ثبوتی آن از مضمون اخبار به دلالت تضمینی متواتراً ثابت می‌گردد.

آری حقیقت وجود مقدس حضرت رقیه بنت الحسین (ع) میان تمام مورخین مورد اتفاق است و منابع مختلف وجود آن حضرت و داستان شهادتش را متفقاً نقل کرده‌اند که به بخشی از آن اشاره شد. اما تواتر اجمالی این است که اخبار موضوعی در حد تواتر باشد و بر آن موضوع از نظر سعه و ضیق (دامنه شمول) به طور متفاوت دلالت کند ولی قدر مشترکی بین آن اخبار باشد و آن قدر مشترک حاصل از اخبار مختلف الدلاله را متواتر اجمالی گویند؛ زیرا انسان علم اجمالی پیدا می‌کند که در هر حال یکی از این اخبار از معصوم صادر شده است مانند روایت حجیت خبر واحد که مضمون مختلف دارد و هر حدیثی امری را در حجیت خبر واحد شرط دانسته، مضمون برخی از اخبار اعم و مضمون بعضی دیگر اخص است؛ قدر متقن همان مضمون اخص است. بنابراین درباره خبر وجود مقدسه حضرت رقیه (س) هم همین قانون ورود داشته و نتیجه همان مضمون اخص یعنی رقیه بنت الحسین می‌باشد و لذا وجود ایشان به تواتر اجمالی هم ثابت و هویدا است.

● دلیل عقلی و منطقی

با کمی تأمل مشخص می‌گردد اگر مسئله‌ی وجود مقدس حضرت رقیه بنت الحسین (ع)، حقیقت

۱- قوانین الاصول، ج ۱، ص ۳۴۰

و واقعیتی خارجی نداشت، در طول تاریخ علمای حساس، شجاع و حقیقت مدار شیعه، به آن اشاره داشتند، در حالی که عکس این معنا صادق است یعنی در طول تاریخ بزرگترین علمای شیعه مانند سیدمرتضی، میرزای شیرازی، سید بحر العلوم و... حتی مراجع بزرگوار معاصر همگی فتوا به انجام عرض ارادت به ساحت مقدسه حضرت رقیه(س) بنت الحسین و زیارت بارگاه این گلی که لاله شد! صادر فرموده‌اند و حتی خودشان به زیارت آن حضرت مشرف می‌شوند و بالاترین دلیل عقلی این که حضرت امام خمینی(ره) و حضرت امام خامنه‌ای در شام (سوریه) نماینده داشته و دارند و اگر واقعاً شام حرم حضرت رقیه بنت الحسین(ع) و حضرت زینب(س) نبود، بر حضرت امام خمینی(ره) و حضرت امام خامنه‌ای واجب و لازم بود مقلدان و امت اسلامی را روشن می‌فرمودند تا خود را برای امری که حقیقت ندارند به زحمت و هزینه نیندازند و اصلاً اعزامی صورت نگیرد و این در حالی است که عکس مطلب صادق است زیرا نماینده‌ی حضرات نه تنها چنین نمی‌فرمایند، بلکه تأیید و تأکید هم دارند و بارها خود در پای منابر و اعظان و مداحانی که سیره سوزان حضرت رقیه(س) را تبیین می‌کنند، نشسته‌اند!

بنابراین روشن و هویدا می‌گردد که وجود مقدسه‌ی حضرت رقیه(س) از بدیهیات و مسلمات و متواترات است و آنان که خدشه بر آن وارد می‌سازند یا حوصله تحقیق و تأمل علمی ندارند یا در پی ایجاد شبهه هستند تا مردم را در غبار تردید منحرف سازند. السلام علیک یا رقیه بنت الحسین! .

بسمه تعالی

در صفحه ۱۸ شماره ۴۴۱۰ مورخ ۲۴ دیماه سال ۱۳۸۸ روزنامه‌ی ایران مقاله‌ای با عنوان «گل میان آتش نمرود سوخت: نگرشی تحقیقی در اثبات وجود مقدسه حضرت رقیه بنت الحسین(ع)» چاپ شده است که با خواندن آن مقاله، بار دیگر بر مظلومیت پاره‌ای از واژه‌ها! و نیز ابتدال در بعضی از عناوین و مناصب و امور متأسف شدم. به راستی چرا در روزگار ما واژه‌هایی مثل «عالم» و «علم» و «محقق» و «تحقیق» و ... چنین بی‌قدر و ارج گردیده و به ابتدال کشیده است!؟

از این موضوع که یکی از دردهای بزرگ جامعه است و نیز بررسی علل و عوامل و زمینه‌های آن، که فرصت و مجال بیشتری می‌طلبد، می‌گذریم و نگاهی گذرا به مقاله‌ی «تحقیقی!» پیش گفته می‌افکنیم: مقاله چنانکه از عنوانش پیداست در صدد اثبات وجود طفلی بنام «رقیه» دختر امام حسین(ع) است. قبل از بررسی ارزش علمی و تاریخی دلایل نویسنده‌ی مقاله در اثبات ادعای خود، ذکر چند نکته را لازم میدانم:

الف) در هیچ یک از منابع تاریخی دست اول و معتبر، که ضمن نقل جریان حادثه کربلا و قیام امام حسین(ع)، متعرض حوادث شام و موضوع اسارت اهل بیت(ع) شده‌اند، کوچک‌ترین اثری از وجود دختری به نام رقیه برای امام حسین(ع) و سپس ماجراهای تراژدیک خرابه‌ی شام مثل قصه خواب دیدن طفل و آنگاه مواجهه‌ی او با رأس مطهر نیست. توضیح اینکه مهم‌ترین منابع قابل اعتماد نزد اهل فن در خصوص تاریخ صدر اسلام و حادثه‌ی کربلا عبارتند از:

- ۱- مقتل ابی مخنف(متوفای ۱۵۸ هـ.ق - نسخه‌ای که طبری از آن نقل کرده است)
- ۲- طبقات ابن سعد(متوفای ۲۳۰ هـ.ق)
- ۳- انساب الاشراف بلاذری(متوفای ۲۷۹ هـ.ق)
- ۴- اخبار الطوال دینوری(متوفای ۲۸۲ هـ.ق)
- ۵- تاریخ یعقوبی(متوفای ۲۹۲ هـ.ق)
- ۶- تاریخ طبری(متوفای ۳۱۰ هـ.ق)
- ۷- الفتوح بن اعثم(متوفای ۳۱۴ هـ.ق)
- ۸- مروج الذهب مسعودی(متوفای ۳۴۶ هـ.ق)
- ۹- ارشاد شیخ مفید(متوفای ۴۱۳ هـ.ق)
- ۱۰- لہوف ابن طاووس(متوفای ۶۷۷ هـ.ق)

و چند منبع دیگر که نه تنها در آن‌ها خبری از رقیه و داستان او وجود ندارد بلکه در اغلب این منابع تصریح شده است که امام حسین(ع) دارای دو دختر به نام‌های فاطمه و سکینه بوده است و در مورد این دو دختر هم نه داستان سوزناک! خرابه‌ی شام نقل شده و نه هیچ یک از آنها دارای قبری در شام هستند و نه اساساً در آنجا وفات یافته‌اند!

ب) داستان طفل سه یا چهار ساله‌ای که در خرابه‌ی شام خواب پدرش (امام حسین ع) را دیده و سپس داستان آوردن رأس مطهر و باقی ماجرا را (البته بدون ذکر نام دختر) اولین بار عمادالدین طبری (متوفای ۶۷۵ هـ.ق) در کتاب «کامل بهایی» به نقل از یک کتاب ناشناخته به نام «حاویه» از یک نویسنده‌ی سنی مجهول الهویّه به نام قاسم بن احمد مأموفی نقل کرده و بعدها دیگران با دادن شاخ و برگ فراوان و جعل یک داستان خیالی سوزناک و غم‌انگیز، نام رقیه را به قهرمان این داستان بر ساخته داده‌اند. حال آنکه همانطور که گفته شد چنان شخصی با چنین نامی در هیچ یک از منابع تاریخی معتبر ذکر نشده است.

ج) تقریباً تمام محققین در تاریخ اسلام از علمای معاصر، در ساختگی بودن وجود دختری بنام رقیه و داستان مربوط به آن اتفاق نظر داشته و یا اعتمادی به اخبار راجع به این موضوع نکرده‌اند از جمله: استاد شهید مطهری و آیه‌... جعفر سبحانی و استاد رسولی محلاتی و استاد دکتر شهیدی و... .

حال با این توضیحات به سراغ «نگرش تحقیقی» نویسنده‌ی مقاله می‌رویم:

در ابتدای مقاله آمده است: «وجود مقدسه... از سه منظر قابل رؤیت و اثبات است، اول سطور متقن تاریخ و مقاتل!» حال ببینیم این سطور متقن در کجای تاریخ و کدام مقتل ذکر شده است.

نویسنده‌ی مقاله، این «سطور متقن» را به جای منابع معتبر قدیمی و دست اول در چند نوشته، که تاریخ تألیف آن‌ها به دو بیست سال هم نمی‌رسد و بدتر اینکه همه‌ی آن‌ها جزو کتاب‌های غیر معتبر و تحریف ساز معرفی شده‌اند، یافته است و از همه جالب‌تر این که به دلیلی که خواهد آمد خبر منقول از این کتاب‌ها نیز هیچ ارتباطی به وجود دختر مورد نظر محقق محترم ندارد!!

توضیح اینکه :

اولاً- بهبهانی نویسنده‌ی کتاب الدّمعه الساکبه متوفای ۱۲۸۵ هـ.ق و مازندرانی مؤلف کتاب معالی السبطين از نویسندگان معاصر است، فلذا مطالب کتاب‌های این دو اگر مستند به کتب و منابع دست اول نباشد، قابل اعتماد نیست، و متأسفانه اکثر مطالب در این کتاب به چنین دردی! مبتلا هستند.

ثانیاً- منبع عمده‌ی کتاب الدّمعه الساکبه جعلیات فاضل دربندی و کتاب اسرار الشهاده است (ظاهراً بهبهانی شاگرد و مرید دربندی بوده است!) و مأخذ دیگر مطالب کتاب، «منتخب طریحی» است که هر سه کتاب بعلاوه کتاب معالی السبطين از جمله کتاب‌های تحریف‌گر شناخته شده‌اند!^(۱) اما کتاب معالی السبطين وضعیت بدتری دارد زیرا مؤلف این کتاب حتی زحمت معرفی منبع اخبار مجعول کتاب را هم، به خود نداده و در بسیاری از موارد اخبار مزبور را با عبارت «فی الخبر» یا

۱- در این باره ن.ک: عاشورا پژوهشی / محمد صحتی سردرودی / ص ۸

«قالوا» و یا «فی بعض الکتب» روایت می‌کند و در مواردی هم که منبع خبر را ذکر می‌کند از کتاب-های نامعتبر و تحریف‌گری مثل اسرار الشهاده و منتخب طریحی و یا روضه الشهدای کاشفی نام می‌برد.

ملاحظه می‌شود که نویسنده‌ی محترم از چه منابع اصیل و معتبری برای اثبات مدعای خود، شاهد و دلیل آورده است؟

ثالثاً - آنچه نویسنده درباره‌ی مخاطبین امام حسین(ع) در روز عاشورا از این منابع نقل کرده است (به فرض صحت) هیچ ارتباطی به دختر سه یا چهار ساله‌ی ادعایی ندارد زیرا امام(ع) در کربلا خواهری به نام رقیه - دختر امیرالمؤمنین(ع) - دارد که همسر مسلم بن عقیل (ع) بوده و بی‌تردید در صورت وجود چنین خطابی، طرف ندای امام (ع)، این بانوی بزرگوار بوده است! و لازم نیست به علت عدم آگاهی از تاریخ- یا با انگیزه‌های دیگری؟! - به زور! شخص یا دختر دیگری از پیش خود برای امام(ع) جعل و خلق کنیم!

اما نکته‌ی بسیار جالبی که ارزش تحقیقی! مقاله را به روشنی عیان می‌کند اینست که نویسنده پس از نقل این اخبار نامربوط به موضوع، می‌گوید: «سخن اینست اگر نقلیات فوق خبر شاذ و نادر هم باشد که نیست خود دلیل مضاعف [!!] بر اثبات حقیقت وجود مقدس ... است زیرا چه لزومی دارد چنین تحریفی صورت پذیرد!»

حقیقتاً چنین تحقیق تاریخی امری بدیع! و در نوع خود شاذ و نادر و این گونه استدلال و استنتاج، مُعرف منطقی جدید است و قیاسی با این صغری و کبرای مشعشع و متین! برآستی از جنس قرائت‌های هِرمنوتیکی پُست مدرنیسم است که رسیدن از هر مقدمه‌ای به هر نتیجه‌ای را مجاز و هر قرائتی و برداشتی از هر متنی را مصاد می‌داند. اما باز هم جالب‌تر و عجیب‌تر اینکه نویسنده که گویا به بی‌اعتباری روایات منقوله پی برده، با شگفتی تمام ادعا می‌کند، با این اوصاف «همین روایات دلیل مضاعف بر اثبات مدعاست» و دلیل آن اینست که چه لزومی دارد چنین تحریفی صورت گیرد؟! و بدین سان و به یکباره از بررسی و تحقیق تاریخی به روان‌شناسی و روانکاوی پرش می‌فرمایند! و ایشان اما نمی‌گویند: پس این همه تحریف و جعل در متون تاریخی بخصوص در تاریخ عاشورا با چه «لزومی»! صورت پذیرفته است؟! و باز نمی‌گویند اگر این همه تحریف و قصه‌سازی و افسانه پردازی، نبود پس دستمایه و سرماییه! بسیاری از این نوحه خوانان و مداحان چه می‌توانست باشد؟! گویا جناب محقق تاکنون حتی نیم‌نگاهی هم به کتاب "حماسه‌ی حسینی" شهید بزرگوار مطهری نکرده‌اند. تا بدانند چه تحریفات غریبی بدست برخی از این علماء! در تاریخ عاشورا راه یافته است، به حدی که امروز اخبار و روایات محرف و مجعول، بسیار بیشتر از حقایق تاریخی مربوط به این حادثه عظیم در نوشته‌ها و سر زبان‌هاست و متأسفانه همین تحریفات و مجعولات در روزگار ما دستمایه و سرماییه‌ی کاسبی برای عده‌ای روضه‌خوان و مداح شده و در مجالس مذهبی ما نیز اغلب این

تحریفات است که به نام حقایق تاریخی به خورد عوام الناس داده می شود!

اما نویسنده سپس در ادامه‌ی مقاله‌ی خود، پس از نقل بیتی منسوب به امام(ع) که البته در هیچ یک از منابع معتبر نیامده و در صورت صحت انتساب هم با توجه به توضیحات پیش گفته هیچ ارتباطی به مدعای نویسنده ندارد (زیرا رقیه مذکور در بیت مزبور علی الفرض صحت انتساب، نه طفل ۳-۴ ساله بلکه خواهر امام علیه السلام می باشد) چنین می نویسد: «اگر ثابت شود این شعر از دیگری غیر از امام(ع) است باز خدشه‌ای بر اثبات وجود حضرت ... وارد نمی گردد!» جل الخالق! آخر چرا؟! لابد به این دلیل که نویسنده وجود حضرت... را از بدیهیات دانسته و اصولاً نیازی به ارائه‌ی دلیل و شاهد در این خصوص نمی بیند! واقعاً اینگونه تحقیق تاریخی در نوع خود نوبر است! کسی نیست از این محقق محترم بپرسد اگر چنین است چرا زحمت سنگین نوشتن چنین مقاله‌ی تحقیقی را بر خود هموار کرده است؟!

نویسنده آنگاه روایت دیگری از کتاب بی اعتبار دیگری بنام «الوقایع و الحوادث» را شاهد بر مدعای خود می آورد که این روایت نیز مانند اکثر مطالب کتاب، ساختگی و مجعول بوده و در هیچ یک از منابع دست اول و معتبر نیامده است. لازم به ذکر است که اصولاً تا چند سده‌ی اخیر در هیچ کتابی وجود دختری با نام رقیه برای امام حسین (ع) نقل نشده است و نام «رقیه بنت الحسین(ع)» از جعلیات و تحریفات دوران اخیر می باشد.

نویسنده سپس در بخش دیگر مقاله، به منظر دوم! از اثبات مدعای خود پرداخته و ادعا نموده که اخبار مربوط به وجود شخص مورد ادعا، متواتر است و با آوردن تعاریفی ناقص از خبر «متواتر» و ارجاع به کتاب قوانین مرحوم قمی خواسته به خواننده وانمود کند که نویسنده نه تنها ید طولائی در تحقیقات تاریخی دارد بلکه از اجتهاد و فقاقت هم بی بهره نیست! معهداً همین بخش از مقاله نشان می دهد که نویسنده‌ی محترم فهم صحیحی از «خبر متواتر» ندارد، ضمن اینکه در آخر استدلال اصولی! خود متأسفانه دچار کذب بین و ادعای خلاف واقع شده است.

توضیح اینکه: چنانکه در کتب اصول فقه مذکور است شرط مهم در خبر متواتر اینست که خبر منقول باید از روایانی که خود حادثه مورد بحث را دیده اند نقل شده باشد و اصطلاحاً گفته می شود خبر متواتر باید «خبر و شهادت حسی» باشد و نه عقلی،^(۱) و شرط دیگر اینکه از گفته‌ی آنان یقین حاصل شود.^(۲) و شرایط دیگری که هیچ کدام از آنها در اخبار منقول در کتاب‌های مورد نظر نویسنده-ی محقق نیست و اساساً هیچ یک از اخبار مربوط به مدعای نویسنده نه تنها از روایان اصلی نقل نشده بلکه حتی از منابع دست اول هم نقل نگردیده است و کلاً ساخته و پرداخته‌ی کسانی است که به

۱- قوانین الاصول / میرزای قمی / ۱/ ۴۲۰

۲- همان منبع

لحاظ تاریخی قرن‌ها با زمان وقوع حادثه فاصله داشته‌اند.

علی ایحال، بر هرکسی که اندک آشنایی با مباحث اصول فقه داشته باشد پر واضح است که مطالب مذکور در مقاله هیچ ارتباطی به موضوع «خبرمتواتر» ندارد و نویسنده متأسفانه تیر به تاریکی انداخته است!

اما ادعای نویسنده مبنی بر اینکه تمام مورخین!! در مورد وجود رقیه بنت الحسین(ع) اتفاق نظر دارند متأسفانه خلاف واقع و دروغی بزرگ است(که انشاء... با توبه مورد آموزش قرارگیرد)، زیرا همانطور که ذکر آن رفت حتی یک محقق تاریخ چنین موضوعی را قبول ندارد. آری حتی یک مورخ محقق! مگر اینکه کسانی مثل بهبهانی (مؤلف الدمعه الساکبه) یا مازندرانی(مؤلف معالی السبطین) و یا کاشفی و یا دربندی را به عنوان مورخ بپذیریم!

برای آشنایی با میزان سواد و معلومات این اشخاص و مرتبه‌ی اعتبار کتاب‌های آن‌ها، طالبان حقیقت را به خود کتاب‌های این حضرات ارجاع می‌دهم و ضمناً اضافه می‌کنم که محققین تاریخ عاشورا این اشخاص و کتاب‌هایشان را در زمره نویسندگان و کتب تحریف‌ساز معرفی نموده‌اند^(۱).

و اما توضیحات بعدی نویسنده درباره‌ی ادعای تواتر اجمالی، دچار همان اعوجاجی است که درسطور فوق به آن اشاره گردید و در واقع قیاس مع الفارقی است که نه ربطی به موضوع دارد و نه بهره‌ای از حقیقت!

و بالاخره سست‌تر و بی‌مایه‌تر از همه‌ی مطالب مقاله، بخش پایانی آن است که به ادعای نویسنده مشتمل بر دلیل عقلی! و منطقی! در اثبات مورد ادعا است. حقیقتاً این قسمت از مقاله باعث شگفتی و در عین حال مایه تأسف برای هر خواننده‌ای است که اندک آگاهی از بحث‌های تاریخی دارد. به این علت واضح که چگونه کسی جرأت می‌کند در یک روزنامه‌ی کثیرالانتشار و رسمی مقاله- ای تحت عنوان « نگرش تحقیقی...»! بنویسد و در آن برای اثبات یک شخصیت تاریخی مورد ادعا این همه رطب و یابس را به عنوان دلیل « عقلی و منطقی» به هم ببافد. آخر تحقیق تاریخی کجا و این حرف‌ها کجا!

البته بخش پایانی مقاله می‌تواند به نحوی یادآور فریادهای تحریف ستیز شهید بزرگوار مطهری باشد و هم تداعی این سؤال که: چرا بعضی از علماء در برابر تحریفات دینی بخصوص تحریفات حادثه‌ی عظیم کربلا و انقلاب عاشورا ساکتند؟ براستی چرا؟

در پایان ذکر این نکته را ضروری می‌دانم که وجود و شیوع این گونه تحریفات و مجعولات در پاره‌ای از کتاب‌های شیعه و نقل آن در نشریات و محافل مذهبی، امروزه دست مایه‌ی عده‌ای از

۱- از جمله ن.ک: عاشورا پژوهی / همان

وهابیون جاهل و متعصب، و وهابی مسلکان منحرف گردیده تا با تمسک و استناد به آن‌ها بسیاری از حقایق و مسلمات تاریخی را در اذهان نا آگاه و در نزد نا آشنایان به مسائل دینی و تاریخی، زیر سؤال ببرند و با اینکه خود و اسلافشان در طول تاریخ بسیاری از مسلمات و ضروریات دین و تاریخ اسلام را انکار کرده و می‌کنند و یا به تحریف واقعیات و حقایق تاریخی پرداخته و می‌پردازند، مع الوصف، شیعه را به دروغ‌گویی و تحریف حقایق دینی متهم می‌سازند و با کمال تأسف در این هدف شیطانی بی توفیق هم نبودند. ۹۸-۰۷-۱۵



پایان